

دیگه ندارم من به زندگی میلی

دیگه ندارم من، به زندگی میلی
عمّه نگاهم کن، عَوْض شُدم خیلی

بابا روو موهای دُخترش حَسّاسه
الان بیاد اینجا، (مَنو نِمی شناسه) ۳

سَخته بَرّام، عمّه من آغوشِ بابامو می خوام
سه سالمه، نِمی تونم دو قَدَم راه پیام

عمّه بِبَخش، گردَنِ تو بوده زَحمتای من
(یه ماهه که، خِیلی تازیانه خوردی جای من) ۲

(عُمرگمه وَلی حَرَف زیاد، عمّه آلان، بابام میاد) ۲

بابا، (بابا قَشَنگم) ۳

بابا، (بابا قَشَنگم) ۳

نَبین توی خرابه هام، اَسْمونا جای مَنه
(من دخترِ شاهم و دنیا، واسه بابای مَنه) ۲

نَبین آلان گُرسَنمه، عالمِ روزی خورمه
دخترِ شامی، من مَلک مُراقِبِ چادُرمه

دَستی به جُز اَبَا الفَصل، سه سالِ اَزگاره
رُخصَتِ شونه گردنِ، موی مَنو نداره

اَمّا آتیشِ خیمه، دور دید چِشمِ عَمومو
عُروبِ روزِ عاشورا، اَگه سوزونده مومو

گُجا بودی مو داشتم تا کَمَرَم
گُجا بودی دَستِش بود زیرِ سَرَم
مِثه پَروانه ها می گشت دور و بَرَم

(گُجا بودی) ۲

بابا، (بابا قَشَنگم) ۳